

پیامبران و تمدن آینده

(۲)

بررسی نقش پیامبران در تمدن آینده، پاسخ به نیازی همگانی است و با توجه به وابستگی تمدن آینده به تمدن معاصر، میزان تأثیرگذاری و حضور پیامبران در تمدن معاصر، می‌تواند حضور آنان را در تمدن آینده، پیشاپیش تعیین کند. یافته‌های علمی و نظریه‌های اندیشمندان موافق و مخالف و منابع اسلامی، روشنگر این موضوع است. در شماره گذشته مجله، دلایل و شواهد نقش پیامبران، به ویژه پیامبر اسلام را در تمدن معاصر و آینده مطرح کردیم. اینک در این شماره نخست دیدگاه مثبت و منفی دانشمندان غیرالهی را در این باره مطرح کرده و نقد و بررسی می‌کنیم و سپس با دیدگاه منابع اسلامی در این باره آشنا می‌شویم.

دیدگاه اندیشمندان غیرالهی

اندیشمندان مادی، تأثیرگذاری دین و حضور پیامبران را در تمدن آینده از نظر دور نداشته و به آن توجه کرده‌اند و از سوی آنان دو گونه پیش‌داری منفی و موافق وجود دارد:

دیدگاه منفی

برخی دانشمندان بر این باورند که دین و پیامبران در تمدن آینده نقشی ندارند و تنها علم و دانش است که به نیازهای بشر پاسخ می‌دهد. یکی از طرفداران این دیدگاه در عین آن‌که نقش پیامبران و دین را در آغاز تمدن پذیرفته و به آن اعتراف کرده است؛ اما بر این عقیده است که پس از

توسعه و گسترش علم، کارایی دین از بین خواهد رفت. از آن جمله نظر فرح انطون این است که دین، نقش قطعی را در روشنگری و ارشاد انسان ایفا کرد. در زمانی که انسان در حالت نخستین و بر فطرت اولیه‌اش بود و زمانی که علم از پاسخ‌گویی مشخص در مورد پدیده‌های طبیعت و هستی ناتوان بود، در آن زمان دین به وجود آمد و در مدت‌های زیادی از تاریخ، مقام سیادت داشت و در خلال این برهه‌های تاریخی، موفقیت چشم‌گیری در انتقال بشریت از وضعیت زندگی بدوی و توحش به وضعیت پیشرفته‌تر و متمدن به دست آورد.

اما زمانی که هیئت‌های اجتماعی پیش رفت و دید تنها از طریق دین، وحدت ملی کافی نیست؛ بلکه جامعه علاوه بر وحدت، نیاز به ترتیب و نظم دارد و دید که ترتیب و نظم، تنها به وسیله پارسایی و صلاح تکمیل نمی‌گردد، بلکه در آنجا لازم است فضیلتی عملی وجود داشته باشد که بر علوم و فنون مختلف مبتنی گردد. بنابراین نیاز به علم پیدا شد و علم، (ذاتاً فضیلتی عملی است و) قادر است سنت‌های هستی را کشف کند و اختراعات تازه را ابداع کند. چیزهایی که از تیره‌بختی مردم می‌کاهد و بر رفاه بشر می‌افزاید.

کار به همین مرحله متوقف نماند، بلکه در آن مقطع، رابطه‌ای دیالکتیک بین پیشرفت جامعه و پیشرفت علم به وجود آمد. در نتیجه هیچ جامعه متحول و پیشروی، بدون تکامل و پیشرفت علم وجود نداشت. از همین جاست که انطون فرح در این مسأله به تجربه‌های بعضی ملت‌ها توجه دارد تا این که چنین می‌بیند که ملت‌ها پس از تکرار و تمدن‌شان، به دین اتکا نمی‌کنند، بلکه بر علم تکیه می‌کنند.

دیدگاه مثبت

برخلاف دیدگاه قبل، عده‌ای از صاحب‌نظران غیرالهی در خصوص حضور مؤثر و تأثیرگذار پیامبران در تمدن آینده، نظر مثبت دارند و بر اساس تجربه‌های گذشته و قرائن موجود معترفند که یگانه عامل یا مهم‌ترین عاملی که می‌تواند خلأها و کاستی‌های تمدن آینده را مرتفع سازد، ادیان و پیامبران الهی است. آرنولد توین‌بی، نویسنده و مورخ مشهور، در این زمینه می‌نویسد:

«این ادیان بزرگ - یهودی، زردشتی، مسیحیت، اسلام، برهمنی و... - نه تنها در گذشته نقش عمده‌ای را به عهده داشته‌اند، بلکه اگر بشریت، آینده‌ای داشته باشد، آن آینده نیز متکی به تعالیم این ادیان باستانی خواهد بود»^(۱).

۱. آرنولد توین‌بی، آینده نامعلوم جهان، ترجمه فرهنگ جهادپور، ص ۱۸۷.

«...می‌توانیم به چند خصوصیت دین اسلام اشاره کنیم که ممکن است این خصوصیات در تمدن جهانی فردا تأثیر بسیار مطلوبی به جا بگذارد و تأسیس اجتماع کامل بشری را کمی به ما نزدیک‌تر کند. دو خطر بزرگ که آینده بشریت را به شدت تهدید می‌کند و یکی از آنها جنبه روانی و دیگری جنبه مادی دارد. خطرهای تعصبات نژادی و اعتیاد به مشروبات الکلی است که متأسفانه در تمدن معاصر غربی ما کاملاً ریشه دوانده است. در مبارزه با هریک از این دو دشمن خطرناک، جهان اسلام می‌تواند کمک اخلاقی ارزنده‌ای به ما کند و اگر تعالیم اسلام را در این باره بپذیریم، گام بزرگی در راه تحقق یک اجتماع بهتر برداشته‌ایم... بنابراین با توجه به آینده نزدیک تمدن بشری می‌توانیم از دو خدمت ارزنده تمدن اسلامی؛ یعنی برابری نژادی و منع مصرف مشروبات الکلی نام ببریم و این دو تعلیم بزرگ اسلام در قشرهای جوامع غربی نیز که جهان را در دام خود گرفتار ساخته‌اند، مؤثر خواهد بود و اما با توجه به آینده دورتر؛ همان‌طور که ذکر شد امکان آن وجود دارد که در دامان اسلام، نهضت روحانی جدیدی که به صورت یک دین جهانی درخواهد آمد، پرورش یابد»^(۱).

برنارد شاو، فیلسوف انگلیسی، نسبت به شخصیت پیامبر اسلام ﷺ در آینده این‌گونه اظهارنظر نموده است:

«دین محمد تنها دینی است که به نظر می‌رسد شایستگی دارد که با تمام اشکال زندگی انسان‌ها در طول تاریخ بسازد (و آنها را رهبری کند) به گونه‌ای که برای تمام اقوام جاذبه داشته باشد... محمد را باید نجات‌دهنده انسانیت خواند و من معتقدم اگر مردی همانند او زعامت و سرپرستی جهان امروز را برعهده بگیرد، در حل مشکلات پیروز می‌شود و جهان را به سوی سعادت و صلح می‌برد. محمد کامل‌ترین انسان از گذشتگان و انسان‌های امروز بود و مانند او در آینده نیز تصور نمی‌شود»^(۲).

«اگر دینی از فرصت حکومت بر انگلستان و اروپا ظرف صد سال آینده برخوردار شود، آن دین می‌تواند اسلام باشد... همیشه برای دین محمد به خاطر پویایی شگفت‌انگیزش احترام زیادی قائل بوده‌ام. این تنها دینی است که به نظرم می‌رسد از توانایی تطبیق با دگرگونی‌ها برخوردار است و جاذبه خود را در تمام دوران‌ها حفظ

۱. همان، ص ۲۵۲-۲۴۸.

۲. ترجمه و شرح نهج البلاغه، آیت‌الله مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۲۳۵.

می‌کند. او (حضرت محمد ۹) را مورد مطالعه قرار داده‌ام و به عقیده من باید وی را نجات‌بخش بشریت نامید^(۱)».

تحلیل و بررسی

برخلاف تصور و اظهار کسانی که توسعه دانش و گسترش علم را جایگزین دین و موجب بی‌نیازی از حضور پیامبران الهی در زندگی بشر آینده می‌پندارند، در تمدن آینده نه تنها بشریت از وجود پیامبران بی‌نیاز نخواهد بود، بلکه احساس بی‌نیازی هم نخواهد داشت و می‌توان گفت بیش از گذشته احساس نیاز خواهد کرد؛ زیرا عاملی که انسان‌ها را در قرون و ادوار گذشته نیازمند به پیامبران می‌نمود، همان عامل و ملاک در حال حاضر نیز وجود دارد و در آینده نیز به صورت قوی‌تری وجود خواهد داشت. نیاز انسان‌های پیشین به شناخت مسیر فطرت و عوامل کمال بود و پیامبران، رسالت‌شان نشان دادن مسیر فطرت و بازداشتن انسان‌ها از انحراف بود:

«... انحرافات و فاصله انسانیت که از مسیر حرکت به سوی هدف غایی و ارتقاء به نهایت کمالش واقع می‌گردد، بدین لحاظ نیست که قانون فطرت باطل باشد، بلکه به لحاظ خطا و اشتباه انسان در تطبیق قانون بر مصداق است^(۲)».

ناتوانی انسان‌های کنونی در سطحی بسیار مدرن و سازمان‌یافته بروز می‌کند و می‌توان گفت نیاز انسان امروز و آینده به پیامبران همانند نیاز وی به پزشکان است. تکامل و توسعه دانش پزشکی در طی چند قرن اخیر بلکه هزاران سال، از ضرورت و اعتبار پزشکان نکاسته است. در این مدت، دانشمندان علم طب کوشیده‌اند عوامل بیماری‌ها را شناخته و راه‌های حفظ سلامت را به انسان‌ها آموزش دهند و در نتیجه تلاش آنان، مجموعه‌ای از تجربیات پزشکی در اختیار نسل‌های امروز و آینده قرار گرفت و راه‌های مبارزه با امراض گوناگون و کنترل آنها شناخته شد. با این وصف، عوامل بیماری و امراض مهلک به‌طور اساسی نابود نشده و مبارزه مستمر با آنها باقی است. گذشته از آن، همواره نمونه‌های جدید و بدیعی از بیماری‌ها ظهور می‌کند که حیات و سلامت افراد و جامعه‌ها را تهدید می‌کند. بدین خاطر است که در حال حاضر هیچ‌کس عقیده ندارد تکامل و توسعه دانش پزشکی طی قرون گذشته، انسان‌های امروز و آینده را از وجود پزشکان، بی‌نیاز نموده باشد. از دیدگاه منابع اسلامی، پیامبران به مثابه پزشکان هستند^(۳). توسعه آگاهی و

۱. صحیفه، شماره ۳۹، مورخ ۸۳/۹/۳۰، از انتشارات جامعه مدرسین، معاونت جامعه روحانیت به نقل از «جهان اسلام در نگرش غربی»، شماره ۲۹. ۲. المیزان، ج ۴، ص ۱۴۰. ۳. سوره اسراء: آیه ۸۲، نهج البلاغه: خطبه ۱.

افزایش شناخت انسان در جنبه‌های جسمی و معنوی خویشتن و کشف اسرار طبیعت و رازهای جهان هستی، تمام پرسش‌های انسان را پاسخ نداده و نیازهای او را تأمین نکرده است؛ بلکه پرسش‌های تازه، مشکلات بی‌سابقه و نیازهای جدیدی را سبب شده است و عیناً رابطه و نسبت «وابستگی» انسان‌های هزاران سال پیش به پیامبران در عصر حاضر و آینده نیز باقی است.

دیدگاه منابع اسلامی

در منابع اسلامی و متون مذهبی چنین مشهود است که اسلام دینی است همگانی، و اختصاص به یک گروه و ملت ندارد^(۱). امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

«... و اگر آیه‌ای که درباره قومی نازل شده است به سبب مرگ آن قوم، آن نیز بمیرد (و بی‌اعتبار شود)، در این صورت دیگر از قرآن چیزی باقی نمی‌ماند، اما قرآن در جریان است (زمان بردار نیست) تا آسمان‌ها و زمین برقرارند»^(۲).

بدین‌گونه، قرآن پاسخ‌گوی تمام ابعاد و نیازهای معنوی و مادی، فردی و اجتماعی انسان‌ها، طی قرون و اعصار است. امام صادق علیه السلام فرمودند:

«خداوند بزرگ در قرآن بیان همه چیز را فرو فرستاده تا آنجا که به خدا سوگند چیزی را از احتیاجات بندگان فروگذار نکرده تا آنجا که هیچ بنده‌ای نتواند بگوید: ای کاش! این در قرآن آمده بود، جز آن‌که خداوند آن را در قرآن فرو فرستاده است»^(۳).

این‌که قرآن مجید خود را «نور» و روشنایی معرفی می‌کند^(۴) به این معناست که دین اسلام تعلق به برهه‌ای معین از تاریخ انسان‌ها نداشته است؛ بلکه برای تمام تاریخ است و در طول قرن‌ها و عصرها پیوسته فراروی انسان‌ها و پیشاپیش آنان قرار دارد و به مثابه چراغ پرفروغی است که پیوسته جلوتر از مسافران در حرکت باشد و راه را پیشاپیش آنان روشن سازد. بدین معنی است که قرآن مجید خودش را «نور» به معنای روشنایی نامیده است.

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

۱. سوره انبیاء: ۱۰۷، سوره فرقان: ۱، سوره تکوین: ۲۷.

۲. قال ابو جعفر علیه السلام: «... و لو أن الآیة اذا نزلت فی قوم ثم مات اولئک القوم ماتت الآیة لما بقی من القرآن شیء و لكن القرآن یجری ازلہ علی آخره ما دامت السموات و الارض...» مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۴ و مرتضی مطهری، اسلام و مقتضیات زمان، ص ۱۴۷.

۳. عن الامام الصادق علیه السلام: إن الله تبارک و تعالی أنزل فی القرآن نبیان کل شیء حتی والله ما ترک الله شیئاً یحتاج الیه العباد حتی لا یستطیع عبدٌ یقول لو کان هذا أنزل فی القرآن إلا و قد أنزله الله فیہ». کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص

۴. نساء: ۱۷۴.

۷۷، حدیث ۱.

«خداوند هر چیزی از نیازمندی‌های اُمت را که تا روز قیامت به آن نیاز پیدا کنند فرونگذاشته مگر آن‌که آن را در کتابش فر فرستاده و برای رسولش بیان نموده و برای هر چیزی حدی قرار داده و برای آن دلیلی نهاده است که به آن دلالت کند»^(۱).

امام علی علیه السلام می‌فرمایند:

«این، قرآن است، از او بخواهید تا با شما سخن بگوید (اما) او هرگز سخن نگوید من از او به شما خبر می‌دهم که علم آنچه گذشته است و علم و دانش آنچه در آینده تا روز قیامت پیش می‌آید در قرآن وجود دارد»^(۲).

تحلیل و بررسی

از روایات و متون فوق استفاده می‌شود که قرآن مجید و سنت پیامبر به احتیاجات و نیازهای انسان پاسخ می‌دهند و این توانایی و توان‌مندی آن دو، پیوسته تا پایان تاریخ بشر باقی است. با توجه به این امر، طبیعی است که در تمدن آینده - که برخی آن را تمدن سوم نامیده‌اند - دین اسلام قادر است راه و روش صحیح زندگی انسان‌ها را ارائه نماید.

البته ممکن است برخی این درجه اطمینان را به توان‌مندی اسلام نسبت به آینده نداشته باشند؛ اما این اضطراب از ناحیه اسلام نیست، بلکه مربوط به تقصیر و قصور خود آنان در شناخت ظرفیت‌ها و استعدادهای بالقوه و بالفعل اسلام است. اما امامان و پیروان مذهب تشیع در تمدن آینده همان تأثیرگذاری و منزلت رفیع را برای پیامبران می‌بینند که در تمدن‌های پیشین بوده است؛ زیرا از دیدگاه شیعه، ویژگی‌های هر برهه از تاریخ انسان‌ها و به صورت کلی و ویژگی تکاملی، شدت یابی و تصاعدی بودن تمدن موردنظر بوده است و پیامبران با عنایت به این وصف، هدایت و رهبری انسان‌ها را برعهده گرفته‌اند. از این جهت باید دانست که مذهب شیعه از مذاهب اسلامی دیگر متمایز است؛ زیرا در مذهب شیعه پاسخ‌گویی به نیازهای انسان، منحصر به متن قرآن مجید و سنت پیامبر و عنصر اجتهاد نیست؛ بلکه منضم به آنها و در کنار آنها اولاً رابطه زنده‌ای به عنوان «حجّت الهی» و نیز رابطه‌ای مستمر و مستقیم میان خداوند متعال و انسان‌ها به عنوان «ولایت» وجود دارد. این حقیقت یا رمز ماندگاری، در متون اصیل شیعه و در اعتراف برخی صاحب‌نظران

۱. عن الباقر علیه السلام: «إن الله لم يدع شيئاً تحتاج إليه الأئمة إلى يوم القيامة إلا أنزله في كتابه و بينه لرسوله و جعل لكل شيء حداً و جعل عليه دليلاً يدلّ عليه». مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۸۹.

۲. عن علی علیه السلام: «... ذلك القرآن فاستنطقوه و لن ينطق لكم، أخبركم عنه إن فيه علم ما مضى و علم ما يأتي إلى يوم القيامة...». نهج البلاغه، خطبة ۱۵۸ و اصول کافی، ج ۱، ص ۷۹، حدیث ۷.

شیعه و غیر شیعه به وضوح دیده می شود:

از امام سجاد علیه السلام درباره توحید و یکتاپرستی سؤال شد. در پاسخ فرمود:
«خداوند عزیز و جلیل می دانست که در آخرالزمان گروه هایی ژرف نگر خواهند بود و
لذا سوره اخلاص - قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ - و آیات سوره حدید را تا فرموده اش «علیم بذات
الصدور» نازل کرد و هرکس جز این جویای دیگری باشد، هلاک شده است»^(۱).

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

«... بار خدایا! آری زمین خالی و تهی نمی ماند از کسی که به برهان و دلیل، دین خدا را
برپا دارد. آن کس یا آشکار و مشهور است و یا بیم ناک و پنهان. تا برهان ها و دلیل های
روشن خداوند از بین نرود... آنان نمایندگان خدا در روی زمین اند و به دین خداوند
دعوت می کنند»^(۲).

مارین، نویسنده و شرق شناس آلمانی، در مورد فلسفه مذهب شیعه می گوید:
«... یأس و حرمان، عامل همه گونه نکبت و ذلت است و ضد آن پشت گرمی، امیدواری و
قوت قلب از روی اعتقاد، مایه رستگاری و نجات می گردد... اعتقادات مذهبی در ملل
مشرق زمین تا دو قرن دیگر کاملاً اثرات خود را خواهد بخشید و می توان گفت که در
این مدت و با این همه جمعیت و اسباب طبیعی، شیعه پیشرفت محترّ العقلی نموده و
از حیث عده، نیرو و قدرت، مقام اول را حائز خواهد شد و حتی اگر اعتقادات مذهبی از
بین برود شیعه دارای آن سرمایه ای خواهد بود که ماورای قوای طبیعی، شوکت،
اقتدار، قسوت و حکومت خود را در عالم نگه دارد»^(۳).

همچنین پروفیسور هانری کرین نیز اظهار داشته است:

«به عقیده من، مذهب تشیع تنها مذهبی است که رابطه هدایت الهی را میان
خدا و خلق، همیشه زنده نگه داشته و به طور مستمر و پیوسته، ولایت را زنده و
پابرجا می گذارد... تنها مذهب تشیع است که نبوت را با حضرت محمد صلی الله علیه و آله ختم شده

۱. سنن علی بن الحسین علیه السلام عن التوحید فقال: إن الله عز وجل علیم أنه بكون فی آخر الزمان أقوام متعتمرون
فأنزل الله تعالی قل هو الله احد و الآیات من سوره الحدید الی قوله علیم بذات الصدور. فمن رام وراء ذلك فقد
هلك. بحارالانوار، ج ۳، ص ۲۶۳ و ج ۶۴، ص ۳۷۱.

۲. «اللهم بلی لانخلوا الأرض من قائم لله بحجة إما ظاهراً مشهوراً و إما خائفاً منموراً لئلا تبطل حجج الله و
بیئاته... اولئك خلفاء الله فی أرضه و الدعاة الی دینه». نهج البلاغه، حکمت ۱۲۷ / ۱۲۹.

۳. فصل نامه انتظار، شماره ۸ و ۹، ص ۲۴۶، به نقل از کتاب مصلح جهانی، ص ۷۷، نوشته سید هادی
خسروشاهی.

می‌داند؛ ولی ولایت را که همان رابطه هدایت و تکمیل می‌باشد بعد از آن حضرت و برای همیشه زنده می‌داند. رابطه‌ای که از اتصال عالم انسانی به عالم الوهی حکایت می‌کند، به واسطه دعوت‌های دینی، قبل از موسی و دعوت دینی موسی و عیسی و محمد و بعد از حضرت محمد ﷺ به واسطه همین رابطه ولایت، جانشین وی (به عقیده شیعه) زنده بوده و هست و خواهد بود و این حقیقتی است زنده که هرگز نظر علمی نمی‌تواند آن را از خرافات شمرده و از لیست حقایق حذف نماید^(۱).

خلاصه و نتیجه بحث

اگر در نظر آوریم که بر اساس تجربه‌های گذشته و اعترافات اندیشمندان خیرخواه جهان^(۲) عواملی چون علم، ثروت، تکنولوژی و... در تأمین نیازهای مبرم انسانی موفق نبوده و شکست خورده‌اند و انسان فردا تجربه‌های ناموفق گذشته را دوباره تکرار نخواهد کرد، به این نتیجه می‌رسیم که:

۱. تمدن آینده نیاز ویژه به نظم، هدف و معنا دارد.

۲. تجربه‌های بشر نشان داده است که علم و ثروت قادر به تأمین نیازهای

آینده نیستند.

۳. عواملی که در تمدن‌های گذشته و معاصر، موجب وابستگی انسان‌ها به

پیامبران گردید در آینده نیز موجب نیاز بشر به پیامبران خواهد بود.

۴. بر اساس اعتراف دانشمندان خیرخواه و طایف متون اسلامی، پیامبران،

خاصه پیامبر اسلام ﷺ در تمدن آینده بشر نیز حضور مؤثر و نجات‌بخش خواهند داشت.

۱. فصلنامه انتظار، شماره ۸ و ۹، ص ۲۳۹، به نقل از ظهور شیعه، ص ۷.

۲. نشریه «نامه جامعه»، شماره ۶، سال اول، ص ۱۴، روزنامه کیهان، مورخ ۷۷/۶/۵ به نقل از ماهنامه علمی American Scientific: «همین ناتوانی علم در پاسخ‌گویی به مسائلی که با معنای حیات و امور ارزشی و اخلاقی و غایات سر و کار دارند شماری از دانشمندان را که در گذشته روحیه انکار و الحاد داشتند واداشته تا از رویه گذشته دوری کنند و به آموزه‌های دینی روی آورند...».